

The criteria for calculation of delay penalty applicable to foreign currencies in international commercial instruments with attention to the Iranian international commercial arbitration practice

Oveis Rezvanian *

Assistant Professor of International Law, Graduate Institute of Management and Planning Studies, Tehran, Iran

Mohammad Reza Shekari Ashkezari

MA. In Private Law, University of Tehran, Tehran, Iran

(Email: rshekari@ut.ac.ir)

(Received: 2021/01/04, Accepted: 2020/03/19)

Abstract

The matter of the penalty for late payment has a long history under Iranian law. After all changes, the legislator, by virtue of Article 522 of Iran Civil Procedure Code (December 2000) has allowed for the penalty on the delayed payment of debts in the currency that is commonly used in Iran (namely IRR). However, the matter of legitimacy of the penalty for delayed payment on foreign currencies is still an open question. The current research project principally aims to examine the legitimacy and legality of delayed payment penalty, regardless of the type of currency, by reviewing the Iran international arbitration practice. The next aim is to find a criterion for calculations and determining the rate of delayed payment penalty applicable to foreign currencies. To these aims, after studying and investigating the criteria applied in international commercial documents, usages in international trade, and reviewing the Iranian arbitral awards, some suggestions have been provided. According to such findings, the judge or the arbitrator should, in the first place, attempt to acquire and understand the real intention of the involved parties regarding the matter of delayed payment penalty, and accordingly, render the award based on such an intention. In case that such an acquisition is not possible, the judge or the arbitrator should determine the penalty for foreign currency by considering the type of currency, international practices, and the usages that exist with regards to such a currency.

Keywords

Adjustment of liquidated damage, civil liability, delayed payment penalty, international commercial arbitration, transnational Commercial Law.

* Corresponding Author, Email: o.rezvanian@imps.ac.ir , Fax: 02122801900

مطالعات حقوق تطبیقی

دوره ۱۲، شماره ۱

بهار و تابستان ۱۴۰۰

صفحات ۱۰۵ تا ۱۲۷ (علمی - پژوهشی)

ملاک محاسبه نرخ خسارت تأخیر تأدیه ناشی از ارزش خارجی در اسناد تجاری بین‌المللی با نگاه به رویه داوری تجاری بین‌المللی ایران

اویس رضوانیان*

استادیار گروه حقوق مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی

محمدرضا شکاری اشکذری

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه تهران

(Email: rshekari@ut.ac.ir)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۱۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۲۹

چکیده

در حقوق ایران موضوع خسارات ناشی از تأخیر در تأدیه پول سبب‌های دیرینه دارد. با وجود فراز و نشیب‌های سالیان متمادی، قانون‌گذار اسلامی با شرعی یافتن تعلق خسارات، به‌صراحت در ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹، مفهومی نزدیک به مفهوم خسارات ناشی از تأخیر را نسبت به وجه رایج داخلی یا همان ریال پذیرفت. با این حال، وجود دیدگاه‌های متعدد و آرای متشتت پیرامون موضوع تأخیر در پرداخت ارزش خارجی همچنان سؤالاتی را بر جای گذارده که مهم‌ترین آن‌ها موضع قانون‌گذار ایران در خصوص تعلق یا عدم تعلق خسارات به ارزش‌های خارجی و در صورت تعلق، ملاک محاسبه خسارات است؛ موضوعی که قوانین فعلی نسبت به آن سکوت اختیار کرده است، چراکه نه‌تنها منطوق ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی و قوانین تفسیری ناظر بر آن دربرگیرنده ارزش خارجی نیست، بلکه رأی وحدت رویه شماره ۹۰ مورخ ۴ دی ۱۳۵۳ دیوان عالی کشور نیز به‌موجب جوابیه شورای نگهبان، خلاف شرع انور و غیرقابل استناد شناخته شده است. پژوهش حاضر با اتکا به روش کیفی، توصیفی - تحلیلی و توسل به داده‌های کتابخانه‌ای از طریق بررسی دکترین داخلی و مقایسه اسناد اساسی تجاری بین‌المللی و نیز مطالعه موردی رویه داوری تجاری بین‌المللی موجود در ایران، ضمن مستدل و منصفانه یافتن نظریه تعلق خسارات به ارزش خارجی، ملاک‌هایی را برای محاسبه خسارات به نظام حقوقی ایران پیشنهاد می‌دهد. بر اساس یافته‌های این پژوهش، مقام رسیدگی، اعم از قاضی یا داور، می‌بایست اراده ظاهری یا باطنی اشخاص درگیر در تعاملات حقوقی منتهی به تأخیر را تحصیل نماید و آرای خود را بر آن استوار سازد. در فرضی که نتوان اراده اشخاص را تحصیل نمود، مقام رسیدگی می‌بایست با توجه به نوع ارزش و عرف عام یا خاصی که حول آن شکل گرفته است، سنجه و معیار متناسب و عرفی مرتبط با آن نوع ارزش را مناط اعتبار آرای خود قرار دهد.

واژگان کلیدی

تحلیل اقتصادی حقوق، تعدیل وجه التزام، حقوق بازرگانی فراملی، عرف و عادت تجاری، مسئولیت مدنی.

مقدمه

مسئله خسارت تأخیر تأدیه در حقوق موضوعه ایران همواره جولانگاه برداشت‌های متفاوت و گاه ضد و نقیضی از جانب مراجع تدوینی، نظارتی، تفسیری و محاکم دادگاهی پیش و پس از انقلاب سال ۱۳۵۷ بوده است.^۱ ریشه چنین اختلاف نظرهایی را باید در مبانی فقه اسلامی و قانون‌گذاری متشرعانه پس از انقلاب جست که به‌منظور احتراز و دوری جستن از تعاملات ربوی به این نهاد حقوقی با دیده تردید می‌نگریست.^۲ هرچند دیری نپایید که روشن شدن مبانی نظری و نتایج سوء عدم پذیرش چنین گزاره‌ای، قانون‌گذار پس از انقلاب را به پذیرش آنچه به دلیل شیاع کاربرد «خسارت تأخیر تأدیه»^۳ نامیده می‌شود، در قالب ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب (در امور مدنی) مصوب ۱۳۷۹^۴ واداشت. پژوهش حاضر از تنوع نظریات حقوقی مخالف و موافق و تفسیرهای گوناگون ماده ۵۲۲ پیش‌گفته، و در نتیجه قانون‌گذاری تشکیکی آگاه است و هم‌زمان به صدور آرای دادگاهی و نظریه‌های مشورتی مختلف^۵ در خصوص این ماده توجه دارد (میرشکاری، ۱۳۹۵: ۶۶-۷۲؛ مقصودی و داودی، ۱۳۹۴: ۱۸-۱۹)؛ بنابراین این مقاله در صدد بیان تکرار ملال‌آور اعم از پیشینه تاریخی این موضوع در متون قانونی قبل از انقلاب، معضلات فقهی قانون‌گذار پس از انقلاب در پذیرش آن، سیر تاریخی قانون‌گذاری ماده ۵۲۲ قانون آ.د.م. و همچنین بیان تفسیرهای تفصیلی صورت‌گرفته از ماده اخیر در تعلق یا عدم تعلق خسارت به ارز خارجی از سوی دکتین^۶ نیست، بلکه مفروض ذهنی نگارندگان چنین است که به‌رغم سکوت قانون‌گذار، به استناد اصول کلی حقوقی و فقهی و قوانین ماهوی داخلی و نظم نوین حقوقی، عرف‌ها، اسناد تجاری بین‌المللی موجود^۷ و رویه غالب داوری تجاری بین‌المللی در ایران اصل تعلق خسارت تأخیر تأدیه به ارز

۱. برای مطالعه بیشتر، ر.ک. کاتوزیان، ۱۳۹۸، ج ۴: ۲۲۹-۲۴۸؛ موسویان، ۱۳۸۴: ۱۳-۲۶؛ وحدتی شبیری، ۱۳۸۲ «الف»: ۷۷-۷۹؛ موسوی بجنوردی، ۱۳۸۲: ۶-۱۵؛ میرشکاری، ۱۳۹۵: ۶۴-۶۷؛ آقایی، ۱۳۹۶: ۲۴۲-۲۴۶.

۲. برای مطالعه بیشتر، ر.ک. موسویان، ۱۳۸۴: ۱۴-۱۵؛ افتخار جهرمی و حسینی پویا، ۱۳۹۴: ۸-۱۱؛ موسوی بجنوردی و عمران‌زاده، ۱۳۹۵: ۲۶، درویشی، ۱۳۷۸: ۷۲-۷۴؛ موسوی بجنوردی، ۱۳۸۲: ۱۹-۲۰؛ وحدتی شبیری، ۱۳۸۲ «ب»: ۹۹-۱۰۰.

۳. در ادامه، راجع به این مفهوم و وجه افتراق و اشتراک با سایر مفاهیم، بیشتر توضیح داده خواهد شد.

۴. به اختصار از این پس به‌جای قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب (در امور مدنی) مصوب ۱۳۷۹، «قانون آ.د.م.» خواهد آمد.

۵. نظریه شماره ۷/۹۲/۱۷۴۷ مورخ ۱۳۹۲/۰۹/۰۹.

۶. برای مطالعه بیشتر، ر.ک. کاتوزیان، ۱۳۹۸، ج ۴: ۲۳۰-۲۳۱؛ افتخار جهرمی و الهوتی، ۱۳۹۸: ۱۳-۱۴؛ یآوری، ۱۳۵۳: ۲۷-۳۱؛ امامی، ۱۳۸۵، ج ۱: ۲۵۲-۲۵۷؛ شهیدی، ۱۳۹۸، ج ۳: ۲۷۸-۲۸۶.

7. UNIDROIT Principles of International Commercial Contracts (UPICC). United Nations Convention on Contracts for the International Sale of Goods (CISG). Principles of European Contract Law (PECL).

خارجی محرز و مسلم است. با این فرض و نیز با عبور گذرا از مبانی نظری، پژوهش حاضر بررسی تطبیقی‌ای در مهم‌ترین اسناد کنونی تجاری بین‌المللی به‌عمل آورده و در پرتو رویه داوری تجاری بین‌المللی ایران، گامی نو در راهبرد و حل مسائل مبتلابه از طریق پیشنهاد سنجه‌ای دقیق برای محاسبه خسارات برداشته است. رهاورد بدیع پژوهش حاضر در مقایسه با پژوهش‌های پیشین نیز پیرامون همین موضوع نمایان می‌شود.

علاوه بر این، شایان ذکر است که به دلیل پذیرش اصل حاکمیت اراده در تخمین و تعیین خسارت قراردادی در قالب ماده ۲۳۰ قانون مدنی و همچنین اعلام موضع قطعی قانون‌گذار در رأی وحدت رویه شماره ۸۰۵ دیوان عالی کشور مورخ ۱۶ دی ۱۳۹۹ مبنی بر پذیرش وجه التزام بیش از نرخ تورم در تعهدات پولی و موضوعات پسینی راجع به مذمت وجه التزام گزاف یا اندک و پذیرش تعدیل آن در حقوق کشورهای فرانسه، انگلیس، آلمان (عیسایی و همکاران، ۱۳۹۶: ۴۷-۴۸؛ مقصودی، ۱۳۹۰: ۱۲۷-۱۲۸) و بعضاً در رویه‌های داوری ایران^۱، از تکرار یا طرح این مسائل در این پژوهش خودداری می‌شود. وانگهی پژوهش حاضر صرفاً بر فرض عدم توافق طرفین در تأخیر تأدیه ارز خارجی تمرکز کرده، هدف خود را دستیابی به معیار و سنجه‌ای برای تعیین خسارت در این اوضاع تعریف می‌نماید.

در پایان یادآور می‌شود که توجه پژوهش حاضر در مطالعه رویه داوری تجاری بین‌المللی ایران معطوف و محدود به آرای داوری صادره از دو سازمان مرکز منطقه‌ای داوری تهران (TRAC)^۲ و مرکز داوری اتاق ایران (ACIC)^۳ در پرونده‌های بین سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۸ است.

۱. مفهوم‌شناسی

۱.۱. خسارت تأخیر تأدیه به معنای اعم و اخص

خسارت تأخیر تأدیه در معنای عام خود تمامی خسارات ناشی از تقصیر بدهکار در تأخیر را شامل می‌شود که اعم از کاهش ارزش پول یا تورم (Inflation)^۴، کمترین سود احتمالی ناشی از

draft Common Frame of Reference (DCFR). Convention on the Contract for the International Carriage of Goods by Road (CMR Convention). Convention on International Transport of Goods Under Cover of TIR Carnets (TIR Convention).

۱. برای مطالعه بیشتر، ر.ک. کتاب‌های «گزیده آرای داوری مرکز منطقه‌ای داوری تهران» و «گزیده آرای داوری مرکز داوری اتاق ایران».

۲. از این پس: «TRAC»

۳. از این پس: «ACIC»

۴. تورم، به معنای ورم کردن، آماسیدن، و در اقتصاد به معنای بالا رفتن و پایین آمدن قیمت‌ها (فرهنگ فارسی عمید) است.

سرمایه‌گذاری در بانک و خساراتی است که مستقیماً و به سبب تقصیر (تأخیر در پرداخت و از باب تسبیب) متعهد بر متعهدله بار می‌گردد^۱ (کاتوزیان، ۱۳۹۸، ج ۴: ۲۳۷-۲۳۹ و ۲۴۴-۲۴۹؛ اخلاقی و امام، ۱۳۹۳: ۳۶۳-۳۶۵؛ افتخار جهرمی و حسینی پویا، ۱۳۹۴: ۴).

خسارت تأخیر تأدیه در حقوق داخلی به دلیل حساسیت قانون‌گذار و اجتناب از زیادت و ربا، بعد از تصویب ماده ۵۲۲ قانون آ.د.م. به خسارت ناشی از کاهش ارزش پول محدود گردید؛ به نحوی که به جهت کثرت استعمال و تفسیرهای صورت گرفته، این دو مفهوم دقیقاً با هم برابر قلمداد شدند؛ تاجایی که دکترین معتقدند، مدعی سایر خسارات می‌بایست بر قواعد ضمان قهری (مواد ۳۲۸، ۳۳۱ و ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی) اتکا کند (کاتوزیان، ۱۳۹۸، ج ۴: ۲۴۴-۲۴۷؛ افتخار جهرمی و الهویی، ۱۳۹۸: ۱۲-۱۳).

خسارت تأخیر تأدیه مد نظر این پژوهش، برخلاف معنای مضیق آن، یعنی منطوق ماده ۵۲۲ قانون آ.د.م. که صرفاً خسارت ناشی از کاهش ارزش پول را دربر می‌گیرد، بر معنای موسع آن در عرف و اسناد تجارت بین‌الملل و رویه داوری تجاری بین‌المللی حمل می‌شود. به دیگر سخن، از میان موارد تشکیل‌دهنده خسارت تأخیر تأدیه، ضررهای ناشی از کاهش ارزش پول و حداقل سود متوقع ناشی از سپرده‌گذاری را می‌توان «خسارات نوعی یا مفروض» نام‌گذاری کرد که فارغ از هر مورد خاصی باید آن را طبق جریان عادی امور وارد دانست و سایر خسارات خارج از این دو قالب را «خسارات شخصی یا مشکوک» لقب داد که بسته به هر مورد خاص و از شخصی به شخص دیگر متفاوت است. در نتیجه از این پس، هر کجا «خسارات/ خسارت تأخیر تأدیه» به کار برده می‌شود، منظور همان خسارات نوعی یا مفروض است که تلاش می‌شود ملاک و معیاری عام‌الشمول در سنجش آن به‌دست داده شود.

۱.۲. جبران کاهش ارزش پول یا تعدیل پول

پول به‌عنوان یک کالای واسطه‌ای و وسیله‌ای برای ارزش‌گذاری (کاتوزیان، ۱۳۹۸، ج ۴: ۲۲۹) در تقسیم‌بندی معمول اموال منلی و قیمی جایگاه مشخصی ندارد (افتخار جهرمی و الهویی، ۱۳۹۸: ۱۸-۲۱) و یا اینکه در طول زمان و قبل و بعد از موعد ایفای تعهد، دارای ماهیتی دوگانه است که از منلی به قیمی تغییر ماهیت می‌دهد (افتخار جهرمی و حسینی پویا، ۱۳۹۴: ۱-۲). این وسیله سنجش ارزش که به تعبیر دیگر قدرت خرید محسوب می‌شود (کاتوزیان، ۱۳۹۸، ج ۴: ۲۴۰) در یک بازه زمانی به دلیل تورم دچار افت ارزش شده، مطلوبیت خود را از دست می‌دهد (درویشی، ۱۳۷۸: ۷۳). حال اگر موضوع دین، پول باشد و متعهد در ایفای آن تأخیر داشته باشد و بر اثر این تأخیر، ارزش آن کاهش یابد، با پرداخت مبلغ اسمی پول

1. Article 7.4.9 (UPICC), Article 78 (CISG), Article 9:508 (PECL), BOOK III 3:708 (DCFR), Article 27.1 (CMR Convention), Article 8.1 & 8.2 (TIR Convention).

این چنین قلمداد می‌شود که متعهد اصل دین خود یا همان قدرت خرید دریافتی را به متعهدله نپرداخته است (موسویان، ۱۳۸۴: ۳۵-۳۶؛ افتخار جهرمی و الهویی، ۱۳۹۸: ۲۳-۲۴؛ موسوی بجنوردی و عمرانزاده، ۱۳۹۵: ۲۸). اینجاست که قانون‌گذار با تفکیک مفهوم عدم‌النفع از تفویض منفعت مسلم، زیان ناشی از کاهش ارزش پول را در شکل و شمایل ماده ۵۲۲ قانون آ.د.م به رسمیت می‌شناسد.

به نظر می‌رسد برخلاف دیدگاه برخی که ارز خارجی را برای معاملات به‌مثابه کالا در نظر می‌گیرند (امامی، ۱۳۸۵: ۲۵۲) و یا آن را در معاملات داخلی در حکم کالا می‌شمارند (کاتوزیان، ۱۳۹۸: ۲۳۰)، به استناد رویه‌ها و اسناد تجاری، بین وجه رایج داخلی و ارز خارجی از بابت احتمال کاهش ارزش نمی‌توان تفاوتی قائل شد. لذا اگرچه عملاً ارزهای خارجی همچون دلار و یورو در طول زمان از ثبات بیشتری برخوردارند، اما حقوق که عالم اعتبار است باید برای تمامی فروض عقلی احکامی به‌همراه داشته باشد.

۱.۳. مفهوم بهره (Interest) یا سود سپرده‌گذاری بانکی

بانک‌ها به‌عنوان قدیمی‌ترین بنگاه اقتصادی گزینه اول سپرده‌گذاری هستند که در مقابل مقداری پول درصدی مشخص از همان مبلغ را با شرایطی به صاحب سرمایه پرداخت می‌کنند. اگرچه این نرخ بسته به شرایط سیاسی، اقتصادی و غیره در کشورهای مختلف متفاوت است، ولی جنس مشترک همه آن‌ها، پذیرش ارزش بالقوه پول در طول زمان است. در پژوهش حاضر، مراد از نرخ بهره یا سود سپرده سرمایه‌گذاری بانکی، حداقل سود متوقع با کمترین ریسک است که در صورت انجام فعالیت اقتصادی عاید صاحب سرمایه می‌شود و این مفهوم غیر از کاهش ارزش پول است. چنان‌که دکتترین نیز بین این دو خسارت تفکیک قائل شده و در رد فرض ربوی بودن مبلغ اضافی در بازپرداخت، این چنین آورده‌اند که این مبلغی «اضافی نیست که بیش از مبلغ اصلی به وام‌دهنده پرداخت می‌شود؛ بلکه {کمترین خسارتی است که طلبکار در نتیجه محروم ماندن از سرمایه خود در وعده معهود تحمل کرده است. این غرامت نیز ترکیبی از دو رکن اصلی خسارت است: بخشی ناشی از سود ازدست‌رفته است و بخش دیگر ناشی از ضررهای متعارف و از جمله کاستی توان خرید پول» (کاتوزیان، ۱۳۹۸، ج ۴: ۲۳۹-۲۴۰).

۱.۴. مفهوم ربا (Usury)

ربا در لغت به معنای زیادتی است و در شرع حرام است (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۶: ۲۰۲۲) در اصطلاح فقهی به این معناست که در معاملات بیش از آنچه شخصی دریافت کرده است به‌طرف مقابل بپردازد (موسوی بجنوردی و عمرانزاده، ۱۳۹۵: ۱۸-۱۹).

مرز بسیار باریکی بین دو مفهوم ربا و جریمه دیرکرد (وجه التزام) وجود دارد که بر اساس آن در معاملات ربوی به متعهد این اختیار داده می‌شود تا با تمدید مهلت پرداخت، درصد مشخصی را بر اساس شرط زمانی به مبلغ اصلی دین اضافه و بازپرداخت نماید؛ درحالی که جریمه دیرکرد یا وجه التزام به این منظور در معاملات گنجانده می‌شود که نه تنها اختیار تمدید مهلت در پرداخت را به متعهد اعطا نمی‌کند، بلکه برعکس، اهرم فشاری برای اجبار او در ایفای تعهد در زمان مقرر است (میرشکاری، ۱۳۹۵: ۶۸-۶۹؛ موسویان، ۱۳۸۴: ۲۵-۲۶؛ افتخار جهرمی و حسینی پویا، ۱۳۹۴: ۴-۵؛ افتخار جهرمی و الهویی، ۱۳۹۸: ۳۴-۳۶).

اگرچه بحث وجه التزام تخصصاً از موضوع این پژوهش خارج است، اما نگارندگان پژوهش پیش رو واقف هستند که بر مبنای ماده ۶ ق.آ.د.م.^۱ و بند ۲ ماده ۳۴ قانون داوری تجاری بین‌المللی مصوب ۱۳۷۶^۲، آرای داوری مخالف با نظم عمومی و اخلاق حسنه به موجب ماده قانونی اخیر باطل و بی‌اثر است؛ لذا در یافتن ملاک و معیار سنجش خسارات ناشی از تأخیر، توجه ویژه‌ای به مرزهای معاملات ربوی و سازوکارهای منتهی به آن دارد تا مبدا بستری برخلاف نظم عمومی یا اخلاق حسنه کشور ایجاد و زمینه صدور آرای غیرقانونی و غیرشرعی را فراهم سازد.

۲. مبانی و دلایل قانونی پذیرش تعلق خسارت تأخیر تأدیه به ارز

خارجی در رویه غالب داوری تجاری بین‌المللی ایران

تردیدی نیست که تفسیرهای متشکست از منطوق ماده ۵۲۲ قانون آ.د.م. و به‌ویژه ترکیب «وجه رایج داخلی»، کمابیش اثر وضعی خود را بر اذهان داوران (حتی در دعاوی تجاری بین‌المللی) برجای گذاشته است. در این پژوهش به‌طور مختصر استدلال گروه مخالفان و موافقان تعلق خسارت تأخیر به ارز خارجی و همچنین نمونه آرای صادره بر پایه این تفاسیر را مرور و در انتها با نقد و بررسی هر دو دیدگاه، با اتکا به دلایل قانونی و فقهی، نظر مورد پذیرش این پژوهش را اعلام خواهیم داشت.

۱.۲. مخالفان تعلق خسارت تأخیر تأدیه به ارز خارجی

مخالفان تعلق خسارت تأخیر تأدیه به ارز خارجی معتقدند که به استناد بند «الف» هریک از مواد ۱ و ۲ قانون پولی و بانکی کشور مصوب ۱۳۵۱^۳، از موضوع «وجه رایج داخلی» در ماده ۵۲۲ قانون

۱. ماده ۶: «عقود و قراردادهایی که مخل نظم عمومی یا بر خلاف اخلاق حسنه که مغایر با موازین شرع باشد در دادگاه قابل ترتیب اثر نیست».

۲. ماده ۳۴: «... ۲- در صورتی که مفاد رأی مخالف با نظم عمومی یا اخلاق حسنه کشور و یا قواعد آمره این قانون باشد...».

۳. از این پس: «قانون د.ت.ب.».

۴. ماده ۱: «الف- واحد پول ایران ریال است. ریال برابر صد دینار است. ...» و ماده ۲: «الف- پول رایج کشور به

آ.د.م، صرفاً معنای «ریال» به ذهن متبادر می‌گردد؛ لذا چنین باید نتیجه گرفت که خسارت تأخیر تأدیه به ارز خارجی تعلق نخواهد گرفت (کاتوزیان، ۱۳۹۸، ج ۴: ۲۳۰-۲۳۱؛ افتخار جهرمی و الهویی، ۱۳۹۸: ۱۳-۱۴؛ موسوی بجنوردی و عمرانزاده، ۱۳۹۵: ۱۶). دیگر دلایل مخالفان از این قرار است که قانون‌گذار در مقام بیان بوده و تعمداً از موضوع «وجه نقد» سخن نگفته است تا ارز خارجی را، به مفهوم مخالف، تخصیص زند. آخرین و تنها موضع قانون‌گذار نسبت به تأخیر در پرداخت وجه-اعم از داخلی و خارجی- حکم ماده ۵۲۲ قانون آ.د.م بوده که محدود به کاهش ارزش پول رایج داخلی (ریال) در بازه زمانی مشخص، مشروط به شرایط است. این ماده بر تبصره ۲ ماده ۵۱۵ قانون آ.د.م در مورد اطلاق «خسارت تأخیر تأدیه» حکومت دارد و موضوع آن محدود به وجه رایج داخلی و نسخ ضمنی ماده ۲۲۸ قانون مدنی^۱ در مورد اطلاق «وجه نقد» است؛ به این معنا که وجه نقد مندرج در ماده ۲۲۸ قانون مدنی به اراده اخیر قانون‌گذار محدود و محصور در ریال است. در پرونده‌های «شرکت کارخانجات ... (سهامی عام) {ایران} علیه شرکت ... {ارمنستان}» و به استناد رأی صادره از ACIC در سال ۱۳۹۵ (محبی، ۱۳۹۶، ج ۳: ۳۷۷)، «شرکت الف» فروشنده (هنگ‌کنگ) علیه شرکت ب؛ خریدار (ایران)» و به استناد رأی صادره از TRAC در سال ۱۳۹۷ (رضوانیان، ۱۳۹۹: رأی فارسی شماره ۵، ۱۲۸) و در دعوی «Co. B (United Arab) V. Emirates (Iran)» و به استناد رأی صادره از TRAC در سال ۲۰۱۹ (رضوانیان، ۱۳۹۹: English Award Number 13، P. 41)، عمده دلایل داوران محترم در عدم پذیرش تعلق خسارت به ترتیب عبارت است از: توافق طرفین نسبت به حکومت قوانین ایران بر داوری و خروج موضوعی ارز خارجی از شمول حکم ماده ۵۲۲ ق.آ.د.م، آمرانه بودن مقررات مربوط به خسارت تأخیر تأدیه و همچنین لزوم جمع شروط مندرج در ماده ۵۲۲ ق.آ.د.م و خروج مصداقی ارز خارجی از منطوق و مفهوم وجه رایج، عدم امکان تسری حکم ماده ۵۲۲ ق.آ.د.م نسبت به ارزهای خارجی و محدود بودن حکم این ماده به ریال.

۲.۲. موافقان تعلق خسارت تأخیر تأدیه به ارز خارجی

موافقان تعلق خسارت تأخیر تأدیه به ارز خارجی، اگرچه کمابیش بر تعمیم‌ناپذیری حکم ماده ۵۲۲ قانون آ.د.م نسبت به ارز خارجی صحه می‌گذارند، اما با یادآوری این قاعده که «اثبات شی نفی ماعدا» نمی‌کند، اضافه می‌کنند که وجود مقرره بند ۴ ماده ۲۷ قانون د.ت.ب در کنار ماده ۵۱۵ قانون آ.د.م، مواد ۲۲۱ و ۲۲۸ قانون مدنی و ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹،

صورت اسکناس و سکه‌های فلزی قابل انتشار است. ...».

۱. ماده ۲۲۸: «در صورتی که موضوع تعهد تأدیه وجه نقد باشد، حاکم می‌تواند با رعایت ماده ۲۲۱ مدیون را به جبران خسارت حاصله از تأخیر تأدیه دین محکوم نماید.»

و به طور کلی سایر مواد قانونی، اصول فقهی، شرعی و قانونی همراه با سایر منابع حقوق، لوازم شناسایی چنین خساراتی را فراهم می‌آورد.

آرای داوری موافق با این نگرش در پرونده‌های «شرکت حمل‌ونقل ... (مؤجر) {سنگاپور} علیه شرکت ... (مستأجر) {ایران}» صادره از ACIC (کاکاوند، ۱۳۸۹: ۴۵)؛ «بیمه‌گر ... {ایران} علیه شرکت ... خریدار {ایران}» صادره از ACIC در سال ۱۳۸۶ (کاکاوند، ۱۳۸۹: ۵۲)؛ «صندوق ... {ایران} علیه شرکت ... {صربستان}» صادره از ACIC در سال ۱۳۸۹ (کاکاوند، ۱۳۹۳، ج ۲: ۱۸۰)؛ «شرکت خودرو ... {ایران} علیه شرکت ... {افغانستان}» صادره از ACIC در سال ۱۳۹۴ (محبی، ۱۳۹۶، ج ۳: ۱۲۱-۱۲۹)؛ «Tavn ... Co. {Iran} V. ... Import and Export Co. {China}» صادره از ACIC در سال ۲۰۱۶ (محبی، ۱۳۹۶، ج ۳: ۱۵۱)؛ «شرکت الف؛ فروشنده (هنگ‌کنگ) علیه شرکت ب؛ خریدار (ایران)» صادره از TRAC در سال ۱۳۹۷ (رضوانیان، ۱۳۹۹: رأی صادره شماره ۵، ۱۳۰)؛ «شرکت الف؛ پیمانکار (ایران) شرکت ب و شرکت ج؛ کارفرمایان (ایران)» صادره از TRAC در سال ۱۳۸۸ (رضوانیان، ۱۳۹۹: رأی فارسی شماره ۱۲، ۳۱۶) قابل مشاهده است. دلایل و مبانی استنادی آرای پیش‌گفته در برخی موارد هم‌پوشانی دارد که به‌منظور ایجاز کلام، در سه دسته کلی به‌اختصار نقل به مضمون می‌شود. دسته نخست مستندات قانونی کشور ایران از قبیل مواد ۱۰، ۲۱۹، ۲۲۱، ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۲۸، ۳۳۶ و ۳۳۷ قانون مدنی؛ ماده ۵۲۲ قانون آ.د.م؛ رأی شماره ۹۰-۱۳۵۳/۱۰/۰۴ هیئت عمومی دیوان عالی کشور؛ ماده ۲۷ قانون د.ت.ب؛ و ماده ۴۲ ACIC هستند. دسته دوم مستندات عرفی و رویه‌ای داخلی و بین‌المللی از قبیل اصول کلی حقوق بین‌المللی؛ رویه داوری بین‌المللی به‌ویژه پرونده مشهور «سانتا النا»؛ نظریات شورای نگهبان و رویه قضایی کشورهای ایران، انگلستان، هلند و بلژیک؛ بند ۱ و ۳ ماده ۹-۴-۷ اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی؛ بند ۲ ماده ۵۰۸:۹ اصول حقوق قراردادهای اروپایی؛ ماده ۷۸ کنوانسیون وین ۱۹۸۰ بیع بین‌المللی کالا، «اصول بنیادین حقوق بین‌الملل» (pacta sunt servanda)، عرف تجاری بین‌المللی و انصاف‌اند. گروه آخر بیشتر به اصول و قواعد فقهی از قبیل قاعده لاضرر، استفاده نامشروع و اکل مال به باطل از سوی مدیون مباطل توجه دارد.

۳.۲. نقد و بررسی نظریات پیش‌گفته؛ دلایل قانونی و فقهی نظر مورد پذیرش

این پژوهش

۳.۲.۱. نقد و بررسی دیدگاه مخالفان

به‌نظر می‌رسد خوانش این گروه در رعایت جانب احتیاط در خصوص اجتناب از ربا و تفسیر مضیق و محدود از مواد موجود، موجبات صدور آرای را فراهم آورد که به‌عینه مصداق بارز نفی

سایر قواعد فقهی و حقوقی است. در این خصوص باید توجه داشت که انتساب خصایلی از قبیل درنظر نگرفتن تمامی فروض عقلی، عدم دوراندیشی و محدود دانستن حکومت قوانین کشور ایران به روابط داخلی و نادیده گرفتن کارایی آن‌ها در قراردادهای بین‌المللی زیننده قانون‌گذار و کار صوابی نیست. چنین تفسیری برخلاف قواعد فقهی از قبیل لاضرر، اکل مال بباطل، احسان، نفی سبیل و سیره عقلا و برخلاف عرف تجاری داخلی و بین‌المللی به‌عنوان منبع حقوق، قواعد و اصول مسلم حقوقی اعم از جبران تمامی خسارات مستقیم ناشی از تقصیر، استیفای ناروا، دارا شدن بلاجهت و درنهایت برخلاف مبانی تحلیل اقتصادی حقوق و اصل کارایی^۱ است.

۲.۳.۲. نقد و بررسی نظر موافقان و دلایل ترجیح نسبت به نظر مخالفان

چنین به‌نظر می‌آید که بازگشت تمامی توجیهات صورت‌گرفته از سوی موافقان به اصلی است که سنگ بنای مباحث مسئولیت حقوقی است. شالوده بحث‌های مسئولیت بر این اصل اساسی مبتنی است که «زیان‌دیده در وضعیتی قرار گیرد که اگر فعل زیان‌بار صورت نگرفته بود، اکنون در آن نقطه قرار داشت» (صفایی و همکاران، ۱۳۸۷: ۳۸۰؛ کاتوزیان، ۱۳۹۹: ۱۵۹). در توجیه تعلق خسارات از جانب این جریان فکری، دو نکته قابل ذکر است: اول اینکه به‌نظر می‌رسد علی‌رغم اعتقاد برخی از موافقان و استناد به ماده ۵۲۲ قانون آ.د.م، تعلق خسارت به ارز خارجی اساساً از محدوده ماده ۵۲۲ قانون آ.د.م، به جهت انصراف قید «وجه رایج» به «ریال» طبق قوانین پولی و بانکی کشور، خروج موضوعی دارد و حکم به تعلق خسارات به ارز خارجی را باید از مواد و مبانی دیگری استخراج کرد. دوم آنکه استناد به رأی وحدت رویه شماره ۹۰ به تاریخ ۴ دی ۱۳۵۳ دیوان عالی کشور، برای توثیق حکم به تعلق خسارات نیز خالی از اشکال نیست. چراکه رأی وحدت رویه یادشده که برای زدودن ابهام از ترکیب «وجه نقد» مندرج در ماده ۷۱۹ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۱۸ صادر شده است، به‌موجب جوابیه شماره ۳۸۴۵ شورای نگهبان خطاب به نامه شورای عالی قضایی در تاریخ ۱۲ تیر ۱۳۶۴ از درجه اعتبار ساقط گردیده است. به‌موجب این استفتاء، «مواد ۷۱۲ الی ۷۲۳ ق.آ.د.م و سایر مواردی که به‌طور متفرق احتمالاً در این رابطه موجد است خلاف شرع انور است و قابل اجرا نمی‌باشد» (درویشی، ۱۳۷۸: ۷۴؛ آقایی، ۱۳۹۶: ۲۴۴؛ وحدتی شبیری، ۱۳۸۲ «الف»: ۸۰)؛ افزون بر این، با نسخ صریح قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۱۸ و با استفاده از ماده ۵۲۹ قانون آ.د.م در موارد مغایر، ماده ۷۱۹ قانون و به تبع آن، رأی وحدت رویه یادشده نیز نسخ شده است.

در کنار دلایل فقهی پیش‌گفته، قاعده «نفی سبیل»^۲ نیز می‌تواند مبنای قابل توجهی برای

۱. برای مطالعه بیشتر، ر.ک. صادقی، ۱۳۹۴: ۱۰-۵۲؛ شکاری، ۱۳۹۸: ۱۱۰-۱۱۸.

۲. وَ لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا.

توجیه تعلق خسارات باشد. به موجب این قاعده باید هرگونه مسیر منتهی به برتری و تسلط دیگران بر مسلمین را از بین برد و یا از پیدایش آن جلوگیری کرد (صانعی، ۱۳۹۶: ۷؛ شکاری و همکاران، ۱۳۹۶: ۳۲) یکی از دلایل تجویز دریافت خسارت از اتباع خارجی در نامه‌های شورای نگهبان به شماره ۵۹۳۸ مورخ ۹ اردیبهشت ۱۳۵۶ و شماره ۹۳۴۸ مورخ ۲۴ دی ۱۳۶۶ را می‌توان همین مبنا دانست.

با ورود بحث‌های تحلیل اقتصادی حقوق از سوی مکتب شیکاگو و نئولیبرالیست‌ها و در رأس آن‌ها قاضی ریچارد پازنر (Richard Posner)، تحلیل تمامی گزاره‌ها و سازوکارهای حقوقی بر پایه اصل بنیادین علم اقتصاد یعنی کارایی صورت می‌گیرد (شکاری، ۱۳۹۸: ۹۳ و ۱۱۰). برای نظام‌مند شدن مبانی تحلیل اقتصادی حقوق، تألیفات متعددی انجام گرفته است که مطالعه آن‌ها می‌تواند بسیار سودمند باشد.^۱ اصولی همچون «تخصیص بهینه منابع» (Efficient Allocation of Resources)، «تخصیص بهینه خطر» (Efficient Allocation of Risk)، «اصل پیامدمحوری به جای ماهیت‌محوری»، «اصل مقابله با فرصت‌طلبی» (Opportunism) یا «مقابله با بحران نمایندگی» (Agency Problem)، «اصل مقابله با مخاطره اخلاقی» (Moral Hazard) و «اصل هزینه اتکا» همگی مبین کارایی تعلق خسارات تأخیر به ارزش خارجی هستند.^۲

با این تفاسیر، دلایل پذیرش تعلق خسارت تأخیر به ارزش خارجی، چنان‌که در رویه غالب داوری تجاری بین‌المللی ایران نیز بررسی شد، هم از لحاظ کمیت و از لحاظ حقوقی دارای توجیه بیشتری نسبت به مخالفان است.

۳. معیارها و ملاک‌های سنجش خسارات در ارزش خارجی

حال که دانستیم غلبه رویه داوری تجاری بین‌المللی ایران بر پذیرش تعلق خسارات نوعی به ارزش خارجی است، نوبت به هدف اصلی این پژوهش، یعنی اعلام یا تأسیس ملاک و معیار منصفانه در سنجش خسارات تأخیر در ارزش خارجی می‌رسد. این نکته حائز اهمیت است که در روابط تجاری بین‌المللی، مرجع رسیدگی در فرض حکومت قوانین کشورهای میزبان است که در خصوص این موضوع به طور مشخص تعیین تکلیف نکرده‌اند، برای سنجش خسارات نوعی ناشی از تأخیر، چه ملاک و معیاری باید مد نظر قرار گیرد و حکم به جبران آن داده شود. در این زمینه اسناد تجاری بین‌المللی ترتیباتی را اتخاذ کرده و داوران در آرای خود گاه به حکم

۱. برای مطالعه بیشتر، ر.ک. ایران‌پور، ۱۳۹۷؛ انصاری، ۱۳۹۳؛ دادگر، ۱۳۹۰؛ بادینی، ۱۳۸۲؛ باقری و شیخ‌سیاه، ۲۰۱۰؛ صادقی، ۱۳۹۴؛ Posner, 1986.

۲. برای مطالعه بیشتر، ر.ک. صادقی، ۱۳۹۴: ۱۰-۵۲؛ شکاری، ۱۳۹۸: ۱۱۰-۱۱۸.

ارشادی آن‌ها توجه داشته‌اند و یا اینکه سعی کرده‌اند مبنایی قانونی برای سنجش خسارات تحصیل کنند. پرسشی که مطرح می‌شود این است که آیا مرجع رسیدگی می‌تواند با وحدت ملاک از ۵۲۲ قانون آ.د.م برای تشکیلات ملی یا نهادهای تجاری بین‌المللی نقشی همانند بانک مرکزی ایران قائل شود یا خیر؟

در ادامه، ابتدا ملاک‌های اتخاذی برخی اسناد تجاری بین‌المللی و سپس موضع اتخاذی در رویه داور بین‌المللی ایران را بررسی می‌کنیم و در انتها با دیدی نقادانه سعی در ارائه ملاک منصفانه و عام‌الشمول داریم.

۳.۱. ملاک‌های نرخ جبران خسارات در عرف و اسناد تجاری بین‌المللی و رویه

داوری تجاری بین‌المللی ایران

عرف تجاری بین‌المللی، اعم از اسناد یا رویه‌های عملی مابین فعالان عرصه تجارت و حقوق تجاری، بر تعلق خسارات اجماع نظر دارند. در خصوص میزان بهره متعلقه، با اینکه برخی اسناد ملاکی را بیان نمی‌دارند، اما بسیاری دیگر ملاک‌هایی را برای سنجش نرخ بهره به‌دست داده و حتی تعداد اندکی به‌صراحت نرخ مشخصی را تعیین نموده‌اند. علاوه بر این اسناد، نهادها و تشکیلاتی وجود دارند که می‌توانند در این مسیر دلیل باشند. در ادامه به فراخور، آرای داور موافق با هریک از نرخ‌های مورد بررسی نیز به‌عنوان شاهد بیان می‌شود.

۳.۱.۱. اسناد ساکت در بیان معیار سنجش یا نرخ بهره

در «کنوانسیون حمل‌ونقل بین‌المللی کالا» (Convention on International Transport of Goods Under Cover of TIR Carnets (TIR Convention))، اگرچه اصل تعلق بهره مورد تأیید قرار گرفته، اما نرخ مشخصی برای آن پیشنهاد نشده است. بند ۱ ماده ۸ این کنوانسیون مقرر می‌دارد: ضامن متعهد است که در صورت نقض هریک از تمهیدات مرتبط با این کنوانسیون، تمامی تعرفه‌ها و مالیات واردات و صادرات به‌همراه بهره متعلقه را بر اساس قوانین و مقررات کمرگی آن کشور پرداخت کند.

ماده ۷۸ «کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا» (United Nations Convention on Contracts for the International Sale of Goods (CISG)) در فرض کوتاهی در پرداخت مبالغ مربوط به قرارداد، استحقاق متعهدله حول محور خسارات نوعی را به‌رسمیت می‌شناسد، بی‌آنکه چنین امری خللی نسبت به حق وی در خصوص مطالبه سایر خسارات شخصی وارد کند. با این وصف، در این کنوانسیون نیز نرخ مشخص یا نحوه تعیین آن عنوان نشده است. علت چنین امری را تصمیم‌گیری منصفانه در هر مورد و بر مبنای روح حاکم بر مقررات مسئولیت مدنی می‌دانند

که به موجب آن، هدف، جبران کل خسارات و قرار گرفتن متعهدله در وضعیتی است که در صورت اجرای تعهد در آن نقطه قرار داشت (صفایی و همکاران، ۱۳۸۷: ۳۸۰)

۳. ۱. ۲. اسناد حاوی ملاک سنجش نرخ بهره

ماده ۱-۵۰۸: «اصول حقوق قراردادهای اروپایی» (Principles of European Contract Law (PECL)) نرخ بهره را از زمان سررسید تا زمان پرداخت، برابر با متوسط نرخ وام تجاری کوتاه مدت بانک نسبت به وجه نقد مقرر در قرارداد و در محل پرداخت مورد توافق می‌داند. بر همین منوط، شماره ۳:۷۰۸ «پیش‌نویس چارچوب مشترک مرجع» (draft Common Frame of Reference (DCFR)) در ماده ۱، صرف‌نظر از تعذر یا عدم تعذر متعهد در پرداخت مبالغ، نرخ بهره را عیناً مانند اصول حقوق قراردادهای اروپایی، برابر با متوسط نرخ وام تجاری کوتاه مدت بانک نسبت به وجه نقد مقرر در قرارداد و در محل پرداخت مورد توافق می‌داند.

در نهایت «اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی» (UNIDROIT Principles of International Commercial Contracts (UPICC)) در ماده (۱) ۹-۴-۷، نخست با تأخیر در پرداخت، اصل تعلق بهره فارغ از هر دلیلی را به‌مانند پیش‌نویس چارچوب مشترک مرجع می‌پذیرد، اما در تعیین نرخ بهره، سلسله‌مراتبی را در نظر می‌گیرد. ماده (۲) ۹-۴-۷ نرخ بهره را در وهله نخست برابر با متوسط نرخ وام کوتاه مدت بانک به عموم وام‌گیرندگان در محل پرداخت می‌داند. در صورت عدم احراز چنین امری، مشابه چنین نرخ را در کشوری که ارزش خارجی متعلق به آن است باید تحصیل کرد. در آخر اگر چنین نرخ در هیچ یک از دو محل قابل احراز نباشد، نرخ بهره برابر است با نرخ متناسب تثبیت شده در قانون کشور پرداخت پول. در رأی پرونده «Tavan ... Co. {Iran} V. ... Import and Export Co. {China}» اگرچه داور آشکارا به ماده فوق استناد می‌کند، اما بدون توجه به ملاک‌های اعلامی نرخ بهره‌ای را منصفانه قلمداد می‌کند که از میانگین نرخ بهره وام کوتاه مدت در هر دو کشور متبوع طرفین دآوری به دست می‌آید و خواننده را از تاریخ درخواست کتبی خواهان تا زمان پرداخت به جبران خسارات محکوم می‌نماید (محبی، ۱۳۹۶، ج ۳: ۱۵۱).

۳. ۱. ۳. سند حاکی از نرخ مصرح

بر اساس بند ۱ ماده ۲۷ «کنوانسیون حمل و نقل کالا از طریق جاده» (Convention on the Contract for the International Carriage of Goods by Road (CMR Convention)) اصولاً مستحق بهره غرامات قابل پرداخت است. همین کنوانسیون نرخ چنین بهره‌ای را بر مبنای ۵ درصد در سال اعلام کرده و این نرخ را از تاریخ ارسال درخواست کتبی به حمل‌کننده و در صورت نبود چنین درخواستی، از تاریخ شروع فرایند قانونی رسیدگی محاسبه نموده است.

۳. ۱. ۴. نرخ‌های اعلامی از سوی تشکیلات داخلی و خارجی

ملاک‌های مندرج در اسناد بالا برای ارزهای خارجی تمامی کشورها می‌تواند راهگشا باشد، اما در خصوص ارزهای رایج بین‌المللی از جمله دلار آمریکا و یورو، علاوه بر معیارهای پیش‌گفته، به نرخ‌های بهره اعلامی از سوی مؤسسات و نهادهایی می‌توان رجوع کرد که هدف آن‌ها ایجاد رویه‌ای واحد در معاملات تجاری است. برای مثال، نرخ‌های بهره لایبور (LIBOR; London Inter Bank Offered Rate) و یوریبور (EURIBOR; Euro Interbank Offered Rate)، اعلامی از سوی مؤسسه بانکداران بریتانیایی ((BBA; The British Bankers' Association))، بیانگر میانگین نرخ بهره وام‌های کوتاه‌مدت بین بانکی، بسته به نوع ارز، دلار یا یورو است. به‌علاوه می‌توان به بانک مرکزی آمریکا یا فدرال رزرو (Federal Reserve) اشاره نمود؛ بنابراین فارغ از معیارهای ارائه‌شده در اسناد پیش‌گفته که می‌تواند مناسب تمامی ارزهای خارجی باشد، نسبت به دو ارز خاص دلار آمریکا و یورو نرخ‌های ابرازی از مؤسسات اخیر نیز می‌تواند مناط اعتبار باشد. این نکته زمانی اهمیت می‌یابد که در تعیین خسارات وارده نسبت به وجه داخلی، ماده ۵۲۲ قانون آ.د.م. نقشی محوری برای بانک مرکزی در محاسبه شاخص تورم سالانه قائل شده است. رویه داوری تجاری بین‌المللی ایران نیز - چنان‌که در ادامه قابل مشاهده است - تمایل بیشتری به نرخ‌های اعلامی از سوی تشکیلات داخلی و خارجی نسبت به اسناد بین‌المللی نشان داده است.

۳. ۱. ۴. ۱. استناد به تشکیلات داخلی

در پرونده‌های «شرکت حمل‌ونقل ... (مؤجر) {سنگاپور} علیه شرکت ... (مستأجر) {ایران}» (کاکاوند، ۱۳۸۹: ۴۷) و «بیمه‌گر ... {ایران} علیه شرکت ... خریدار {ایران}» (کاکاوند، ۱۳۸۹: ۵۲) به ترتیب، خواننده از زمان ارجاع داوری تا تاریخ صدور رأی و در پرونده دیگر، خواننده از زمان درخواست داوری تا زمان اجرای حکم به جبران خسارات بر اساس شاخص نرخ تورم اعلامی بانک مرکزی ایران محکوم شده است. به‌نظر می‌رسد توسل مرجع داوری به نرخ یادشده تا حد زیادی ملهم از اساس آرا، یعنی مواد ۵۲۲ ق.آ.د.م و رأی وحدت رویه شماره ۹۰ دیوان عالی کشور است که قبلاً به آن ایراد شد. بر همین اساس، تعمیم نرخ اخیر ناظر بر ریال به ارزهای خارجی به نظر دقیق و منطقی جلوه‌گر نمی‌شود. اصحاب دعوی و مقام رسیدگی که در توجیه تعلق خسارات تأخیر به ارز خارجی به دنبال مبنایی قانونی و حقوقی غیر از ماده ۵۲۲ قانون آ.د.م هستند، در تعیین میزان خسارات نیز باید جستجوگر باشند.

در پرونده «شرکت الف؛ پیمانکار {ایران} شرکت ب و شرکت ج؛ کارفرمایان {ایران}» داور محترم در یک اقدام نوآورانه به گزارش بانک مرکزی ایران در خصوص کاهش ارز موضوع دعوی

در یک بازه زمانی استناد می‌کند و خواننده را از زمان تقاضای رسمی خواهان تا زمان اجرای رأی، سالانه به میزان ۵ درصد مبلغ تأدیه نشده به صورت ساده (غیرمرکب) محکوم می‌نماید (رضوانیان، ۱۳۹۹: رأی فارسی شماره ۱۲، ۳۱۶-۳۱۷).

۳.۱.۴.۲. استناد به تشکیلات خارجی

در رأی پرونده «شرکت خودرو ... {ایران} علیه شرکت افغان {افغانستان}» داور از میان معیارهای مؤسسات مختلف مالی، معیار بانک مرکزی ایالات متحده آمریکا (فدرال رزرو) را به‌عنوان بانک ناشر دلار مناسب می‌داند (محبی، ۱۳۹۶، ج ۳: ۱۳۱-۱۳۲).

همچنین در رأی پرونده «شرکت ... (حمل‌کننده کالا) {ایران} علیه شرکت ... (فرستنده کالا) {امارات متحده عربی}» داور منفرد خواننده را به خسارت تأخیر تأدیه بر مبنای نرخ LIBOR سپرده شش ماهه از زمان پذیرش بدهی تا زمان پرداخت محکوم می‌نماید (کاکاوند، ۱۳۹۳، ج ۲: ۱۳۳) و متعاقباً در پرونده «صندوق ... {ایران} علیه شرکت ... {صربستان}» داور بهره تجاری بر اساس نرخ لایبور به‌اضافه ۵ درصد را منصفانه تشخیص داده و خواننده را از زمان استحقاق تا زمان پرداخت در حق خواهان محکوم کرده است (کاکاوند، ۱۳۹۳، ج ۲: ۱۸۰).

در رأی پرونده «شرکت الف؛ فروشنده {هنگ‌کنگ} علیه شرکت ب؛ خریدار {ایران}» مرجع داوری اگرچه در مقام صدور حکم به تعیین نرخ بهره در خصوص پرونده نبود، اما یادآور شد که شاخص‌هایی نظیر (لندن) LIBOR، (لندن) U.S.D.LIBOR، (اروپا) EUROBOR و رزرو بانک فدرال آمریکا می‌تواند راهگشا باشد (رضوانیان، ۱۳۹۹: رأی فارسی شماره ۵، ۱۲۹).

در نهایت در پرونده «Company A V. Mr. B, Mr. C, Mr. D, Mr. E, Mr. F {Turkey}» هیئت داوری نسبت به مبالغی که محکوم‌علیه مکلف است پس از صدور رأی به محکوم‌له پرداخت کند، از تاریخ صدور رأی نرخ بهره لایبور به‌اضافه ۲ درصد را مورد حکم قرار می‌دهد (رضوانیان، ۱۳۹۹: English Award Number 14، P. 137).

با ملاحظه در رویه‌های داوری بین‌المللی ایران چنین نتیجه‌ای حاصل می‌شود که اکثر قریب به اتفاق داوران در خصوص ارزهای خاص دلار و یورو نگاهی فرامرزی نسبت به نرخ اتخاذی دارند و بیشتر از رهنمودهای مؤسسه بانکداران بریتانیایی برای استوارسازی آرای خود بهره جسته‌اند و در اندک مواردی به تشکیلات داخلی و ملی دیگر کشورها نیز رجوع کرده‌اند.

۳.۲. ضرورت برگزیدن معیار سنجش منصفانه

اگرچه نگرش و رویه فعلی داوری بین‌المللی ایران به درستی قائل بر پذیرش گزاره تعلق خسارات نوعی به تمامی ارزهای خارجی است، اما نوپا بودن این نهاد پذیرفته‌شده، شهادی بر

تشتت آرا در خصوص ملاک سنجش است. به همان اندازه که حکم به جبران خسارات امری پسندیده است، حکم به خسارات غیرواقعی امری مذموم شمرده می شود و مقام رسیدگی را در موقعیتی حساس قرار می دهد، چراکه هرگونه سنجش اشتباه می تواند حقوق طرفین را در معرض تضییع قرار دهد.

از سوی دیگر در نظم نوین حقوقی، تعدیل وجه التزام گزاف در کشورهای همچون فرانسه، انگلستان و آلمان پذیرفته شده است (عیسایی و همکاران، ۱۳۹۶: ۴۷-۴۸؛ مقصودی، ۱۳۹۰: ۱۲۷-۱۲۸؛ رضوانیان، ۱۳۹۹: رأی فارسی شماره ۹، ۲۶۶-۲۶۹). قانون گذار فرانسه در اصلاحات قانون مدنی سال ۲۰۱۶، به صراحت تعدیل شرط کیفری (وجه التزام) گزاف یا ناچیز را از سوی دادگاه پذیرفته است. همچنین اسناد بین المللی از جمله ماده ۷۴ کنوانسیون بیع بین المللی کالا مصوب ۱۹۸۰، بند ۲ ماده ۱۳-۴-۷ اصول قراردادهای تجاری بین المللی و ماده ۵۰۹:۹ اصول حقوق قراردادهای اروپایی همگی شرط پرداخت مبالغ گزافه را به رسمیت نمی شناسند.

اکنون اگر به میانی نظری جبران خسارات نگاهی بیفکنیم، تنها و تنها یک اصل وجود دارد و آن بازیابی واقع بینانه وضعیت زیان دیده به نحو منصفانه و جبران تمامی خسارات منطقی و مستقیم وارده بر او، ضمن عدم امکان سوءاستفاده ذی حق از موضع قانونی و قراردادی خود، و به ضرر طرف مقابل است. در ورای این گزاره ها، قواعد بنیادین مسئولیت مد نظر است که ضمن جبران خسارات زیان دیده، نیم نگاهی به واقعیات خارج از فضای توافقات و آزادی اراده و سعی در لگام زدن به افسارگسیختگی توافقات به دور از واقعیت دارد.

بیان این نکات از آن جهت است که در برگزیدن ملاک سنجش خسارات ناشی از تأخیر تأدیه ارز خارجی نیز مرجع رسیدگی موظف است از مبالغ گزافه تر از خسارات واقعی احتراز جوید. این هشدار از سویی برای اجتناب مرجع رسیدگی از فروغلتیدن در انگاره های شرعی پیرامون معاملات ربوی یا سازوکارهای منتهی به آن است و از سوی دیگر دوری جستن از نرخ هایی است که به وجه التزام گزاف یا ناچیز نزدیک می شود.

در پایان ذکر دو نکته ضروری می نماید:

- اولاً بین ارز خارجی در معاملات داخلی و خارجی نباید از جهت خسارات تفکیکی قائل شد، بلکه آنچه نیاز به تفکیک دارد کاهش یا عدم کاهش ارزش وجه نقد و تعلق یا عدم تعلق حداقل سود متوقع در گذر زمان است.
- ثانیاً در حقوق داخلی بنا به دلایلی خسارات تأخیر تأدیه با مفهوم کاهش ارزش پول برابر دانسته شده است، حال اینکه در پژوهش حاضر تمایز این دو مفهوم به طور آشکارا بیان شد. اگر قائل بر این امر باشیم که نرخ تورم اعلامی از سوی بانک مرکزی دربرگیرنده هر دو مفهوم کاهش ارزش و بهره متعلقه است، در این صورت می توان این نرخ را مکفی نسبت به تمامی خسارات دانست؛ اما در ظاهر امر، این دو مفهوم در یک

نرخ مستغرق نبوده، لازم و ملزوم یکدیگر نیستند. چراکه حتی در فرض تورم صفر درصدی هم از منظر اقتصادی می‌توان سود حداقلی را از پول انتظار داشت. شاهد این مدعا همان است که «غرامت نیز ترکیبی از دو رکن اصلی خسارت است: بخشی ناشی از سود ازدست رفته است و بخش دیگر ناشی از ضررهای متعارف و از جمله کاستی توان خرید پول» (کاتوزیان، ۱۳۹۸، ج ۴: ۲۳۹-۲۴۰).

۳.۳. قواعد نظام‌مند در انتخاب ملاک منصفانه

پیش از ارائه قواعد نظام‌مند در انتخاب ملاک منصفانه برای نرخ خسارت تأخیر تأدیه ناشی از ارز خارجی، یادآوری یک نکته ضروری است:

اگرچه دامنه موضوعی پژوهش حاضر صرفاً به فرض سکوت طرفین نسبت به خسارات محدود است، اما مقام رسیدگی همواره باید تلاش خود را به کار بندد تا با بررسی تمامی جوانب امر، اراده صریح یا ضمنی اصحاب را از جای جای قرارداد استخراج کند و اگر در این مرحله به یأس بعد از فحص دچار شد، بالاصاله و با توجه به پیشنهادهای این پژوهش، ملاکی را برگزیند.

۳.۳.۱. فرض توافق به حکومت قواعد حقوقی و قوانین ملی یا استخراج اراده ضمنی

طرفین از سایر قراین

اکنون در پرتو تجویز ماده ۹۶۸ قانون مدنی و ماده ۲۷ قانون د.ت.ب.ا، طرفین در حدود اختیاری که دارند می‌توانند قوانین ملی و یا قواعد حقوقی را بر ماهیت رابطه خود حاکم گردانند و در پی آن، مقام رسیدگی نیز مکلف است که حکم موضوع اختلاف را از دل همین قواعد توافق شده بیابد. بر این مبنا اگر قواعد حاکم در خصوص خسارات حکمی دارند، مرجع رسیدگی باید خود را به آن پایبند دانسته، به مثابه وجه التزام با آن برخورد نماید. همچنین اگر نه طرفین و نه قانون حاکم در مورد خسارات به صراحت تعیین تکلیف نکرده‌اند، شاید مرجع رسیدگی بتواند با مراجعه به سایر شروط قراردادی و دیگر توافقات، احکام موضوعات مشابه را با وحدت ملاک به خسارت تأخیر نیز تسری دهد. اگر این ملاحظات نیز به نتیجه‌ای منجر نشد، نقش محوری و فعال مرجع رسیدگی در تطبیق حکم بر مصداق و انتخاب ملاکی منصفانه، ضروری و مقرون به صواب است.

۳.۳.۲. فرض حکومت قواعد و قوانین ساکت در مسئله خسارات

حکومت قوانین کشورهایی مانند ایران، نقش مهم و فعال مقام رسیدگی را یادآور می‌گردد که به موجب آن و به دلیل نبود حکم تصریحی، باید دیگر اصول و مبانی را در نظر گیرند. همچنان که دکترین و رویه دآوری بین‌المللی ایران با چشم‌پوشی از حکم ماده ۵۲۲ قانون آ.د.م، از دیگر

مبانی برای توثیق تعلق خسارت نوعی به ارز خارجی تعلیل می‌کنند، بی‌تردید در سنجش خسارات و گزینش معیار عادلانه نیز می‌توانند از دانش حقوقی خود بهره‌جسته، احکام خود را بر انگاره‌های عام حقوقی بنا نهند.

در همین راستا می‌توان به مواد ۲۲۰ و ۲۲۵ قانون مدنی و بند ۴ ماده ۲۷ قانون د.ت.ب.ا. نگاهی افکند. منطوق مواد بیانگر این نکته است که در فرض سکوت طرفین و در مواردی که قانون حکم آمره‌ای را حول موضوعی مقرر نداشته است، عرف به‌عنوان یکی از منابع حقوق نقش تکمیلی خود را در تفسیر اراده طرفین ایفا خواهد کرد. افزون بر این، ذکر «عرف و عادت» به نحو اطلاق، دست مقام رسیدگی در استناد به عرف داخلی یا خارجی و یا بین‌المللی را باز می‌گذارد. شاهد این مدعا، رأی داوری در دعوی اس.پ.ب علیه دولت مصر است که «دادگاه داوری به‌رغم نظریه مخالف داور مصری، معتقد است که قانون مصر در زمینه محاسبه بهره، فاقد قواعد حقوقی بوده و برای جبران این خلأ قانونی قائل به حکومت نظام بازرگانی فراملی می‌گردد» (ایران پور، ۱۳۹۳: ۵۴). وانگهی نکته حائز اهمیت که این پژوهش نیز رسالت خود را در شفاف‌سازی آن می‌داند، پیشنهادهایی در ترجیح ملاک‌های متنوع موجود در حقوق بازرگانی فراملی نسبت به یکدیگر است.

باید توجه داشت که این پژوهش صرفاً در صدد ارائه قواعدی متحدالشکل در مسئله خسارات ناشی از تأخیر در دلار و یورو نیست، بلکه جامعه هدف، تمامی ارزهای خارجی است. این موضوع که ارزش ارزها در طول زمان تا حد زیادی متأثر از ثبات و رواج آن نوع ارز دارد، پیچیدگی موضوع را در اتخاذ معیار و نرخ مناسب دوچندان می‌کند. برای سهولت در قاعده‌مندی ملاک‌ها، نگاه نگارندگان به انواع عرف‌ها میل می‌کند. عرف‌های بین‌المللی نیز بسته به محدوده قابل پوشش خود، به دو دسته عرف عام و خاص تقسیم می‌شوند.

۳.۲.۱. ارزهای رایج و غالب معاملات مثل دلار و یورو

چنان‌که در رویه داوری تجاری بین‌المللی ایران دریافتیم، در خصوص ارزهای دلار و یورو، ملاک‌های لایبور یا یوریبور به‌اضافه درصدی متغیر از ۱ تا ۵ درصد از مقبولیت بیشتری نسبت به سایر ملاک‌های پیشنهادی برخوردار است. این موضوع به نظر تا حد زیادی برگرفته از شروط رایج مندرج در قراردادهای تجاری بین‌المللی است که نرخ وجه التزام یا بازپرداخت هزینه‌های سرمایه‌گذاری را بر اساس آن مشخص می‌کند.

در قراردادهای نفتی ایران موسوم به IPC (Iran Petroleum Contracts)، اصل پول همراه با نرخ لایبور به‌اضافه درصدی مشخص، به‌عنوان بخشی از هزینه‌های سرمایه‌گذاری در قالب نرخ بازگشت به سرمایه‌گذار بازپرداخت می‌شود.^۱

1. 1.21 "Cost of Money" or "COM" shall mean such amount calculated based on actual rate equal to LIBOR plus [*] percent up to a maximum of [*] percent in total, in accordance with Appendix "B"

علاوه بر این، از آرای داوری چنین نکته‌ای قابل احراز است که طرفین نرخ لایبور یا یوریبور به‌اضافه درصدی یا نزدیک به چنین نرخ‌هایی را به‌عنوان وجه التزام ناشی از تأخیر در پرداخت پول در نظر می‌گیرند. در رأی پرونده «شرکت ... {امارات متحده عربی} علیه شرکت ... {ایران}» صادره از TRAC در سال ۱۳۹۵، عنوان شده است که «میزان جریمه قراردادی دیرکرد، حسب ماده ۱۶ {قرارداد} مذکور، ۲/۵ درصد کل مبلغ ثمن به ازای هر ماه تأخیر در پرداخت است» (رضوانیان، ۱۳۹۹: رأی فارسی شماره ۹، ۲۷۱). به‌علاوه در رأی پرونده «شرکت ... {ایران} علیه شرکت ... {ایران}» صادره از TRAC در سال ۱۳۹۰، چنین آمده است که «مستنداً به ماده ۷۴ قرارداد خواهان را مستحق خسارت تأخیر بابت اصل مبلغ بدهی خواننده به میزان مقرر در ماده مذکور یعنی نرخ «ELIRIBOR» [EURIBOR] سه ماهه به‌اضافه ۳ درصد، یعنی معادل سالانه ۳٫۸۸ درصد از تاریخ ثبت دادخواست تا تاریخ پرداخت تشخیص می‌دهد» (رضوانیان، ۱۳۹۹: رأی فارسی شماره ۱۱، ۲۷۱).

بر همین نبط، اگر در خصوص سایر ارزها از جمله درهم، دینار، یوهان و روبل و غیره، اتفاقی مشابه با این دو نوع ارز رقم بخورد و مؤسساتی مانند بانکداران بریتانیایی بهره‌های مشخص و متناسب را با دوره‌های زمانی در خصوص هر یک از این ارزها ارائه دهند و به‌دنبال آن اغلب توافقات یا آرای داوری نسبت به آن تمایل به حفظ کند، می‌توان گفت که مقام رسیدگی به‌عنوان عرف خاص باید آن‌ها را بر سایر ملاک‌های مندرج در اسناد بین‌المللی اولویت دهد.

۲.۲.۳. سایر ارزهای خارجی

در سایر معاملات که ارزهای دیگری حاکم است، به‌نظر می‌رسد مقام رسیدگی باید به عرف‌های عام و ملاک‌های مندرج در اسناد تجاری بین‌المللی توجه کند. از جمع ملاک‌های مندرج در اصول حقوق قراردادهای اروپایی، چارچوب مشترک مرجع و اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی، ملاک پیشنهادی سند اخیر از جامعیت بیشتری برخوردار است. معیار اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی نه‌تنها جامع دو سند دیگر است، بلکه با فرض ملاک‌های سلسله‌مراتبی، راهکاری‌های بیشتری را نیز به‌دست می‌دهد. این ملاک‌ها به ترتیب شامل متوسط نرخ وام کوتاه‌مدت بانک به عموم وام‌گیرندگان در محل پرداخت و سپس در صورت عدم احراز چنین امری، مشابه چنین نرخ‌ی در کشور پرداخت پول و درنهایت در فرض عدم تحصیل این دو نرخ، نرخ بهره برابر با نرخ متناسب تثبیت شده در قانون کشور پرداخت پول

(Accounting Procedures);

5.16.2. The COM Rate is an annual rate equal to LIBOR (as defined in the Contract) plus ... percent ([*]%), up to a maximum of ... percent ([*]%) in total. The applicable monthly rate for such calculation shall be computed in accordance with the formula in Clause 5.16.3 of this Accounting Procedure.

است. بر همین اساس، مقام رسیدگی می‌تواند خسارات ناشی از تأخیر در ارزش‌های غیررایج را بر اساس ملاک‌های مندرج در اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی سنجش، و به آن حکم کند.

نتیجه

دست‌آورد این مقاله را در سه نکته و به ایجاز می‌توان بیان داشت. در وهله نخست، پی بردیم که گرچه قوانین کشور ایران در مورد خسارات نوعی ناشی از تأخیر در پرداخت ارز خارجی به‌صراحت تعیین تکلیف نکرده است، اما ظرفیت نهفته در حقوق ایران سبب می‌شود که مقام رسیدگی، اعم از داور یا قاضی، مجال استناد به سایر مواد، قواعد، منابع و اصول کلی حقوقی را پیدا نماید. ضمن اینکه با نگاه به مبانی شرعی و حقوقی می‌توان دریافت که تعلق خسارات به‌تمامی ارزش‌های خارجی در گذر زمان امری مقبول و منصفانه است.

در وهله دوم، با بررسی تمامی جوانب، امور مطروحه و مفروضه در اطراف و اکناف و به‌دنبال دو فرض عقلی، دو نتیجه حاصل گردید. در فرض نخست، با امکان احراز اراده ظاهری و باطنی اطراف روابط حقوقی، مقام رسیدگی می‌بایست در مسیر توافق آن‌ها گام بردارد و اگر در محدوده توافق ملاکی برای سنجش خسارات ارائه شد، خود را به آن پایبند بداند. در فرض دیگر، اگر اراده ظاهری یا باطنی طرفین در خصوص ملاک سنجش خسارات قابل احراز نباشد، مقام رسیدگی نقش بسزایی در انتخاب ملاک معتبر خواهد داشت.

در پایان و در فرض دوم چنین دریافت شد که در وضع کنونی و با دید داخلی و فرامرزی، ارزش‌های خارجی حاکم بر تعاملات حقوقی اشخاص، بسته به میزان رواج و گرایش به آن‌ها، در دو گروه مختلف جای می‌گیرند. عطف به تقسیم‌بندی اخیر، عرف‌های عام و خاصی در عمل شکل گرفته است که حاضر و ناظر بر هر یک از این دو گروه است. در مقابل عرف‌های عام ارزش‌های خارجی تمامی کشورها به‌دست‌آمده از اسناد تجاری بین‌المللی، در خصوص برخی ارزش‌ها، برای مثال دلار و یورو، عرف‌های خاصی ملهم از اشارات مؤسسات و توافقات قراردادی بین‌المللی شکل گرفته است. مقام رسیدگی می‌بایست به فراخور نوع ارز برحسب عام یا خاص بودن و با امعان نظر به عرف حاکم بر آن نوع ارز، سنجه میزان خسارت را تشخیص داده، بدان حکم نماید.

منابع و مأخذ

الف) فارسی

– کتاب‌ها

۱. اخلاقی، بهروز و امام، فرهاد (۱۳۹۳)، اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی، تهران: انتشارات

- شهر دانش.
۲. امامی، سید حسن (۱۳۸۵)، حقوق مدنی، ج ۱، تهران: انتشارات اسلامی.
۳. انصاری، مهدی (۱۳۹۳)، تحلیل اقتصادی حقوق قراردادها، تهران: انتشارات جنگل، تهران.
۴. ایران پور، فرهاد (۱۳۹۷)، مبانی و کاربرد تحلیل اقتصادی حقوق در حقوق خصوصی، تهران: انتشارات دنیای اقتصاد.
۵. _____ (۱۳۹۳)، نظام حقوقی حاکم بر قراردادهای تجاری بین‌المللی: تحولی از «نظام‌های حقوق ملی» به سوی «نظام حقوق فراملی»، تهران: انتشارات شهر دانش.
۶. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۶)، مبسوط در ترمینولوژی حقوقی، تهران: انتشارات گنج دانش.
۷. دادگر، یدالله (۱۳۹۰)، مقدمه‌ای بر تحلیل اقتصادی حقوق، تهران: انتشارات نشر نور علم.
۸. رضوانیان، اویس (۱۳۹۹)، گزیده آرای داورى مرکز منطقه‌ای داورى تهران، ج ۱، تهران: انتشارات سهامی انتشار.
۹. شهیدی، سید مهدی، (۱۳۹۸)، حقوق مدنی، ج ۳، تهران: انتشارات مجد.
۱۰. صفایی، سید حسین؛ کاظمی، محمود؛ عادل، مرتضی؛ میرزائزاد، اکبر (۱۳۸۷)، حقوق بیع بین‌المللی کالا، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۱. کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۸)، قواعد عمومی قراردادها، ج ۴، چ ۱۴، تهران: انتشارات سهامی انتشار.
۱۲. _____ (۱۳۹۹)، وقایع حقوقی؛ مسئولیت مدنی، تهران: انتشارات گنج دانش.
۱۳. کاکاوند، محمد (۱۳۸۹)، گزیده آرای داورى مرکز داورى اتاق ایران، تهران: انتشارات شهر دانش.
۱۴. _____ (۱۳۹۳)، گزیده آرای داورى مرکز داورى اتاق ایران، ج ۲، تهران: انتشارات شهر دانش.
۱۵. محبی، محسن (۱۳۹۶)، گزیده آرای داورى مرکز داورى اتاق ایران، ج ۳، چ ۱، تهران: انتشارات شهر دانش.

– مقالات

۱۶. آقای، کامران (۱۳۹۶)، «ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی در آیین نظریه تعدیل پول»، مجله تحقیقات حقوقی، ش ۸۰.
۱۷. افتخار جهرمی، گودرز و الهویی نظری، مهدی (۱۳۹۸)، «مبانی مسئولیت مدنی ناشی از نقض تعهدات پولی، مجله تحقیقات حقوقی»، ش ۸۶.
۱۸. افتخار جهرمی، گودرز و حسینی پویا، سید محسن (۱۳۹۴)، «تحلیل و نقد اقوال فقهی پیرامون

۱۹. بادینی، حسن (۱۳۸۲)، «مبانی فلسفی نگرش اقتصادی به حقوق»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ش ۶۲.
۲۰. باقری، محمود و شیخ سیاه، جواد (۲۰۱۰)، «در جستجوی مطلوبیت: تحلیلی از قضیه کاوز در تعامل حقوق و اقتصاد»، فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، ش ۱۰۱.
۲۱. درویشی، ابراهیم (۱۳۷۸)، «مبانی شرعی و قانونی مطالبه خسارت تأخیر تأدیه توسط بانکها، نظریه فقها و حقوقدانان»، مجله تازه‌های اقتصاد، ش ۸۴.
۲۲. شکاری، روشنعلی؛ ملیحی، حمیدرضا؛ ممتازنیا، محمدسعید (۱۳۹۶)، «واکاوی فقهی آیه نفی سبیل و ادله همسو و شمول آن نسبت به مناصب انتخابی در دولت مدرن»، پژوهشنامه قرآن و حدیث، ش ۲۱.
۲۳. صانعی، یوسف (۱۳۹۶)، «قاعده نفی سبیل» مفاد و ادله»، مجله مطالعات فقه معاصر، ش ۴.
۲۴. عیسایی تفرشی، محمد؛ شهبازی‌نیا، مرتضی؛ اسکینی، ربیعا؛ احمدی، فیروز (۱۳۹۴)، «تعدیل وجه التزام در قراردادهای پیمانکاری بین‌المللی»، مجله حقوق تطبیقی، دوره ۵، ش ۱.
۲۵. مقصودی، رضا (۱۳۹۰)، «تعدیل وجه التزام و نتایج آن در حقوق فرانسه، انگلیس و ایران»، پژوهشنامه حقوق کیفری، ش ۴.
۲۶. مقصودی، رضا و داودی، حسین (۱۳۹۴)، «توافق بر خسارت تأخیر تأدیه با تأکید بر رویه قضایی»، مجله رأی، ش ۱۳.
۲۷. موسوی بجنوردی، سید محمد (۱۳۸۲)، «مشروعیت خسارت تأخیر تأدیه»، پژوهشنامه متین، ش ۱۹.
۲۸. موسوی بجنوردی، سید محمد و عمران‌زاده، عالیه (۱۳۹۵)، «خسارت تأخیر تأدیه اسکناس در فقه و حقوق با رویکردی به مبانی امام خمینی (س)»، مجله پژوهشنامه متین، ش ۷۳.
۲۹. موسویان، سید عباس (۱۳۸۴)، «بررسی فقهی - حقوقی قوانین مربوط به جریمه و خسارت تأخیر تأدیه در ایران»، مجله حقوق اسلامی، ش ۴.
۳۰. میرشکاری، عباس (۱۳۹۵)، «زیان دیرکرد و وجه التزام»، مجله کانون وکلا، ش ۲۳۲ و ۲۳۳.
۳۱. وحدتی شبیری، سید حسن (۱۳۸۲، الف)، «خسارت تأخیر تأدیه وجه نقد»، مجله روش‌شناسی علوم انسانی، ش ۳۶.
۳۲. _____ (۱۳۸۲، ب)، «مطالعه تطبیقی خسارت تأخیر تأدیه در حقوق ایران و فقه امامیه»، مجله اقتصاد اسلامی، ش ۱۲.
۳۳. یآوری، فتح‌الله (۱۳۵۳)، «خسارت تأخیر تأدیه پول خارجی»، مجله کانون وکلا، ش ۱۲۶.
- پایان نامه
۳۴. شکاری اشکذری، محمدرضا (۱۳۹۸)، تحلیل حقوقی - اقتصادی چالش‌های انتقال

تکنولوژی در قراردادهای نفتی ایران (IPC)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گرایش حقوق خصوص، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران.

- قوانین و اسناد

۳۵. قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹
 ۳۶. قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۱۸
 ۳۷. قانون مدنی مصوب ۱۳۰۷
 ۳۸. قانون پولی و بانکی کشور مصوب ۱۳۵۱
 ۳۹. قانون داوری تجاری بین‌المللی مصوب ۱۳۷۶
 ۴۰. رأی وحدت رویه شماره ۹۰-۱۰/۴-۱۳۵۳ هیئت عمومی
 ۴۱. نظریه شماره ۷/۹۲/۱۷۴۷ مورخ ۱۳۹۲/۰۹/۰۹
 ۴۲. جوابیه شماره ۳۸۴۵ شورای نگهبان به نامه شورای عالی قضایی در تاریخ ۱۳۶۴/۰۴/۱۲
 ۴۳. نامه‌های شورای نگهبان به شماره ۵۹۳۸ مورخ ۱۳۵۶/۲/۹ و شماره ۹۳۴۸ مورخ ۱۳۶۶/۱۰/۲۴

- سایر

۴۴. صادقی، محسن (۱۳۹۴)، «اصل‌سازی؛ شیوه‌ای نوین در تحلیل اقتصادی حقوق (شناسایی و معرفی یک سلسله اصول کلی برای تحلیل اقتصادی حقوق)»، تقریرات مقطع کارشناسی ارشد، گرایش تجاری اقتصادی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران.

(ب) انگلیسی

- Book

45. Posner, R. A. (1986), Economic analysis of law, Wolters Kluwer, Third edition.

- Documents

46. Convention on International Transport of Goods Under Cover of TIR Carnets (TIR Convention), No L 252/2 Official Journal of the European Communities 14. 9. 78.
 47. Convention on the Contract for the International Carriage of Goods by Road (CMR Convention) (Geneva, 19 May 1956) United Nations (UN).
 48. DEVELOPMENT and PRODUCTION OPERATIONS SERVICE CONTRACT FOR AZADEGAN OIL FIELD (Azadegan Development and Production Operations Service Contract).

49. Ordonnance n° 2016-131 du 10 février 2016 portant réforme du droit des contrats, du régime général et de la preuve des obligations - 11 février 2016 JOURNAL OFFICIEL DE LA RÉPUBLIQUE FRANÇAISE Texte 26 sur 113.
50. Principles of European Contract Law 2002 (Parts I, II, and III) (PECL).
51. Principles, Definitions and Model Rules of European Private Law; Draft Common Frame of Reference (DCFR) Outline Edition, Prepared by the Study Group on a European Civil Code and the Research Group on EC Private Law (Acquis Group) Based in part on a revised version of the Principles of European Contract Law Edited by Christian von Bar, Eric Clive and Hans Schulte-Nölke and Hugh Beale, Johnny Herre, Jérôme Huet, Matthias Storme, Stephen Swann, Paul Varul, Anna Veneziano and Fryderyk Zoll, 2009 by sellier. european law publishers GmbH, Munich.
52. UNIDROIT Principles of International Commercial Contracts (UPICC), Published by the International Institute for the Unification of Private Law (UNIDROIT), 2016, Rome.
53. United Nations Convention on Contracts for the International Sale of Goods (CISG) UNCITRAL secretariat, Vienna International Centre, P.O. Box 500, 1400 Vienna, Austria.